Journal of Cognitive Psychology

Desember 2022, Volume 10, Issue 3

Content Analysis of Eating Disorders Metaphorical Posts in Cyberspace

Fatteme Raiisi*[1], Mina Ryassi[1]

1. Ph.D. in Cognitive Linguistics. Cognitive science of language department, Cognitive Science. Institute of Cognitive Science Studies, Tehran, Iran.

**Corresponding author: Cognitive science of language department, Cognitive Science. Institute of Cognitive Science Studies, Tehran, Iran.*

Email: elhamaraiisi@gmail.com

Citation: Raiisi F, Ryassi M. Content Analysis of Eating Disorders Metaphorical Posts in Cyberspace. **J**ournal of **C**ognitive **P**sychology. 10 (3): 60 -72 . [Persian].

Keywords
Metaphorical Posts, Eating Disorders, Cyberspace, Content Analysis.

Abstract

People with eating disorders express their eating pathology through metaphors. This research was conducted to explain and categorize eating disorder metaphorical posts in cyberspace. The method of this qualitative study was conventional and directed text content analysis, which was carried out by Shannon's entropy method in the period of September 2019 to May 2022. The population of this study included all messages and posts related to eating disorders that were posted or left comments on social networks. Due to the qualitative nature of this study, based on the rule of theoretical saturation and according to the opinion of experts in this field, 250 posts with psychological content were purposefully selected and analyzed. Then categories and subcategories were manually analyzed. Results indicated; metaphoric posts or messages related to eating disorders fall into two main categories of embodiment characteristics and non-embodiment metaphors source domains. On the other hand, each of these two main categories has subcategories that are separated from each other by cognitive and psychological characteristics. It seems; different messages and posts related to eating disorder metaphors need to be studied from different perspectives. Based on this, it is suggested that in future studies, these metaphorical posts should be examined according to the type of interventions effective on them.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تحلیل محتوای پست‌های استعاری اختلال خوردن در فضای مجازی

فاطمه رئیسی*[۱]، مینا ریاسی[۱]

۱. دکترای علوم شناختی- زبان، موسسه آموزش عالی شناختی، تهران، ایران.

مولف مسئول: فاطمه رئیسی، موسسه آموزش عالی شناختی، دپارتمان علوم‌شناختی- زبان، تهران، ایران.

Elhamaraiisi@gmail.com

تاریخ دریافت

۱۴۰۱//

تاریخ پذیرش نهایی

۱۴۰۱//

واژگان کلیدی

پست‌های استعاری، اختلال خوردن، فضای مجازی، تحلیل محتوا.

چکیده

افراد مبتلا به اختلالات خوردن، آسیب‌شناسی مربوط به خوردن خود را به‌مدد استعاره‌ها بیان می‌کنند. این تحقیق با هدف تبیین و مقوله‌بندی پست‌های استعاری اختلال خوردن در فضای مجازی انجام شد. روش این مطالعه کیفی از نوع تحلیل محتوای متن قراردادی و جهت‌دار بود که به‌روش آنتروپی شانون در بازه زمانی شهریور ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ انجام شد. جامعه این مطالعه شامل کلیه پیام‌ها و پست‌های مربوط به اختلالات خوردن بود که در شبکه‌های اجتماعی (یوتیوب، اینستاگرام و تلگرام) پست یا کامنت گذاشته شدند. به‌دلیل ماهیت کیفی این مطالعه بر اساس قاعده اشباع نظری و با توجه به نظر متخصصان این حوزه، ۲۵۰ پست با مضمون روان‌شناختی مربوط به حوزه اختلال خوردن به‌صورت هدفمند انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. سپس به‌صورت دستی مقولات و زیرمقوله‌ها تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد؛ پست‌ها و پیام‌های استعاری مربوط به اختلال خوردن در دو مقوله اصلی ویژگی‌های بدن‌مند و حوزه‌های مبدا غیربدن‌مند اختلال خوردن قرار می‌گیرند. از طرفی، هر کدام از این دو مقوله اصلی، زیرمقوله‌هایی دارند که به وسیله ویژگی‌های شناختی و روان‌شناختی از یکدیگر مجزا می‌شوند. به‌نظر می‌رسد؛ پیام‌ها و پست‌های متفاوت مربوط به استعاره‌های اختلال خوردن نیاز به مطالعه از منظرهای مختلف دارند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود؛ در مطالعات آتی این پست‌های استعاری با توجه به نوع مداخلات موثر بر آن بررسی شوند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

اختلالات خوردن[1] از اختلالات جدی سلامت روان هستند. این اختلالات از مشکلات شدیدی در سیستم شناختی در مورد غذا و عادات و رفتارهای غذایی نشات می‌گیرند که فرد مبتلا ممکن است خیلی کمتر یا خیلی بیشتر از آنچه نیاز دارد از مواد غذایی استفاده کند (بریتون و همکاران، ۲۰۲۲). اختلالات خوردن اگرچه ریشه روان‌شناختی دارند، اما می‌توانند منجر به مشکلات مربوط به سلامت و پزشکی شوند. به‌هیچ‌عنوان طیف اختلالات خوردن یک انتخاب سبک زندگی نیستند. از طرفی، بر توانایی بدن برای دریافت تغذیه مناسب تأثیر می‌گذارند و می‌توانند منجر به مشکلات سلامتی مانند بیماری‌های قلبی و کلیوی یا حتی گاهی مرگ شوند. رایج‌ترین اختلالات خوردن شامل پرخوری[2]، بی‌اشتهایی عصبی[3] و پرخوری عصبی[4] هستند (میتال و همکاران، ۲۰۲۲). علت دقیق اختلالات خوردن ناشناخته است. محققان بر این باورند که اختلالات خوردن در اثر تعامل پیچیده عوامل مختلفی ایجاد می‌شوند. این عوامل شامل بنیان‌های ژنتیکی، بیولوژیکی، رفتاری، روانی- شناختی و اجتماعی هستند (ابراهیمی و همکاران، ۲۰۲۱).

افرادی که مبتلا به اختلال خوردن مبتلا هستند، از خوردن بیمارگونه خود به‌ستوه می‌آیند و در مورد حالات روان‌شناختی ناشی از بیماری خود از طریق استعاره‌های مفهومی[5] یا شناختی[6] شروع به صحبت کردن با دیگران می‌کنند یا در فضای مجازی پست می‌گذارند (بیتس، ۲۰۱۵). بر اساس نظریه لیکاف (۱۹۹۳) استعاره‌های مفهومی ظرف تفکر ما را می‌سازند، از این‌رو جهانی‌اند و مبتنی بر ویژگی‌های بدنی ما هستند. اگرچه مستقیم‌ترین راه بیان استعاره‌ها از طریق زبان است، اما ریشه آن در نظام شناختی ما قرار دارد (کووچش، ۲۰۱۹). از آنجایی‌که استعاره‌ها بدن‌مند هستند؛ برای درک آن نیاز به حوزه مبدا می‌باشد که دارای ویژگی‌های جسمانی است و برای درک مفاهیم انتزاعی از حوزه مبدا استفاده می‌شود تا حوزه مقصد شناسایی و درک معنا گردد. به این جریان رسیدن از حوزه مبدا به حوزه مقصد نگاشت[7] می‌گویند (کووچش، ۲۰۱۷). علاوه براین، درک استعاره‌ها با افزایش رشد شناختی و جسمانی گسترش می‌یابد و پیچیده‌تر می گردد (رئیسی و همکاران، ۲۰۱۹). برهمین اساس، در بسیاری از نقایص شناختی که مربوط به نقش پیش پیشانی و کارکردهای اجرایی در پردازش است، درک و بیان استعاری مختل شده و در شرایط حادتر مانند دمانس و آلزایمر این توانش شناختی به‌کلی از بین می‌رود (آزاد، ۲۰۲۰).

بسیاری از مفاهیم انتزاعی مانند زمان (رئیسی و همکاران، ۲۰۲۰) و حتی اختلالات و ویژگی‌های روان شناختی که ماهیت انتزاعی دارند؛ با استعاره‌های مفهومی در سطح کلامی بیان می‌شوند. مثلا تحقیقی نشان داده است که درک مفهوم کیفیت زندگی استعاری دارای هشت حوزه مبدا شیء، مکان، راه، جهت، محصول، قدرت، انسان و پول است (رئیسی، ۲۰۲۲). استعاره‌های افسردگی نیز دارای هفت حوزه مبدا مکان، ظرف، راه، جهت، شیء، انسان، مزه و رنگ هستند (رئیسی و ریاسی، ۲۰۲۲). درک درد نیز دارای نه حوزه مبدا رایج است که عبارتند از شیء، علیت، مسیر و جهت، انسان، مکان، مزه، ظرف، نیرو و دایره (رئیسی، ۲۰۲۱، رئیسی، ۲۰۲۳). یافته‌های یک مطالعه بر روی تجارب زیسته از درد به‌صورت استعاری در افراد مبتلا به سرطان، نشان داد؛ استعاره درد سرطان به‌صورت یک جنگ بی‌پایان و یک قفس برنامه‌ریزی شده، در بیماران مفهوم‌سازی شده است (رئیسی و ریاسی، ۲۰۲۲). در اختلالات خوردن افراد از استعاره‌های انضمامی استفاده می‌کنند. یعنی استعاره‌هایی که در بین واقعیت فیزیکی و روانی وجود دارند و در آن هیجانات نیز دخیل هستند (اسکاردرود، ۲۰۰۷). یک مطالعه بر روی استعاره های زنان باردار مبتلا به اختلال خوردن نشان داد؛ آنها وضعیت خود را با استعاره‌های یک نبرد یا مبارزه مداوم و ماهیت پایان‌ناپذیر بر سر دوراهی توصیف می‌کنند (برتون و همکاران، ۲۰۱۵). در بعضی از متون مربوط به آسیب شناسی اختلال خوردن از استعاره مبارزه مداوم کم‌خوری عصبی در مقابل پرخوری عصبی استفاده شده است (چارلز، ۲۰۲۱). در مطالعه‌ای نشان داده شد؛ استعاره‌های

[1] Eating disorder
[2] Binge eating
[3] Anorexia nervosa
[4] Bulimia nervosa
[5] Conceptual metaphors
[6] Cognitive metaphors
[7] Mapping

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مربوط به اختلال خوردن می‌توانند در زنان باعث بی‌نظمی در خوردن و نارضایتی از تصویر بدن شوند (لوپز-رودریگز، ۲۰۱۶). از طرفی، شبکه‌های اجتماعی و دنیای مجازی مانند ایستاگرام، یوتیوب و دیگر رسانه‌های اجتماعی، موجب به‌وجود آمدن صفحات مربوط به رفتار خوردن و آشپزی‌های متنوع شده‌اند که به‌صورت مداوم محرک‌های خوردنی را تبلیغ کرده و ترویج می‌دهند. در کنار این موضوع، پدیده‌های دیگری مانند فودبلاگری، اختلالات خوردن را به‌شکل‌های مختلف دامن زده و راه را برای ابراز وجود افراد مبتلا به پرخوری باز کرده است. امروزه ایشان هیجانات و عواطف خود را به‌صورت‌های مختلف از طریق این شبکه‌ها با گذاشتن پیام‌ها و پست‌های مربوط به رفتار خوردن برای فودبلاگرها و صفحات و کانال‌های مربوطه به اشتراک می‌گذارند (جیلز، ۲۰۰۶). اغلب خود فودبلاگرها و کسانی که وبلاگ‌های مربوط به غذا و دستور پخت دارند، از اختلال خوردن رنج می‌برند یا قبلا به آن مبتلا بوده‌اند (بوپل و تامپسون، ۲۰۱۴).

به‌نظر می‌آید؛ پرکاربردترین روش تحقیق برای تحلیل پست‌ها و پیام‌های مربوط به اختلال خوردن، تحلیل محتوای آنهاست. تحلیل محتوا روش مطالعاتی مستند و مستدلی است که واحد تحلیل آن اغلب متون با اشکال مختلف، تصاویر، صدا یا ویدئو می‌باشد و برای بررسی الگوهای ارتباطی به‌شیوه‌ای تکرارپذیر و منظم قابل استفاده است (کلین-هکسل، ۲۰۲۰). این شیوه کاملا غیرتهاجمی است و پژوهشگر هیچ‌نوع دخالتی در موقعیت مورد مطالعه نمی‌کند. اگرچه شیوه‌های تحلیل محتوا در رشته‌های مطالعاتی و براساس هدف پژوهش متفاوت هستند؛ اما همه آنها به‌دنبال معنی‌دار کردن واحدهای مورد مطالعه از طریق کدگذاری[1] می‌باشند (نواندورف، ۲۰۱۶). امروزه در سراسر جهان، فضای مجازی با شبکه های اجتماعی تبدیل به ابررسانه‌هایی شده‌اند که می‌توانند در زمینه پزشکی، مطالعات روان‌شناختی و درمان به افراد کمک شایانی کنند (آکونابویی و ایکپی، ۲۰۲۰). بااین وجود، مطالعات صورت گرفته بین رشته‌ای استعاره‌ها و بیماری‌های روان‌شناختی، تاکنون مبتنی بر استفاده از پروتکل‌ها و مداخلات درمانی- آموزشی بوده‌اند. زیرا محققان درصدد هستند تا با استفاده از این رویکردها راهی برای شناسایی و درمان اختلالات روان‌شناختی پیدا کنند. با عنایت به این‌که تحقیقات کیفی به‌نوعی پژوهش های بنیادین در حوزه استعاره‌های مفهومی محسوب می شوند، می‌توانند گامی نو در مطالعات مربوط به استعاره های اختلالات و آسیب‌شناسی روان‌شناختی تلقی شوند. لذا درک زیربنای تفکرات و نگرش‌های استعاری افراد مبتلا به انواع اختلالات خوردن توجه پژوهشگران را به استفاده گسترده از روش‌های کیفی و بین‌رشته‌ای جلب کرده است. در راستای اهداف ذکر شده و ویژگی‌های مطالعات بین رشته‌ای؛ پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخ به این سوال اساسی است که پست‌های استعاره‌های اختلال خوردن در فضای مجازی بیشتر حول محور چه مقولات اصلی و فرعی قرار دارند؟

روش

روش این مطالعه کیفی و تحلیل محتوای قردادی بود. در تحلیل محتوای کیفی تفسیر ذهنی و وابسته به ذهن متخصصان از محتوای داده‌های متنی مانند پیام‌ها صورت می‌پذیرد و از طریق مقوله‌بندی نظام‌مند محتوای آشکار و پنهان پیام‌ها استخراج می‌گردد (سیه و شانون، ۲۰۰۵). این شیوه کاملا استقرایی است و پژوهشگر در حین استخراج پیام‌ها هیچ پیش‌فرض ذهنی ندارد (اسپزیال و همکاران، ۲۰۱۱). بدین‌صورت، تحلیل محتوای انجام گرفته در این مطالعه دارای سه مرحله اصلی؛ آماده‌سازی و سازمان‌دهی، بررسی پیام‌ها و پردازش داده‌ها بود. بنابراین، جامعه آماری این مطالعه شامل کلیه پست‌های استعاری افراد مبتلا به اختلال خوردن در شبکه‌های اجتماعی درباره وضعیت و بیماری‌شان بود. در پژوهش حاضر واحد مطالعه، مضامین پست‌های محتوای استعاری بود که در بازه زمانی شهریور ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ پست‌هایی که در پلتفرم‌های یوتیوب، ایستاگرام و تلگرام از طرف این افراد در زیر صفحات فودبلاگرها، روان‌درمان‌گران حوزه خوردن و هرچیزی که مربوط به غذا و مواد غذایی بود، به اشتراک گذاشته شدند. به‌دلیل ماهیت کیفی این مطالعه بر اساس قاعده اشباع نظری و با توجه به نظر صاحب نظران این حوزه، ۲۵۰ پست به‌صورت هدفمند مورد بررسی قرار گرفت. ملاک ورود به نمونه در مطالعه حاضر عبارت بود از؛ پست‌های ارائه شده باید محتوای استعاری داشته باشند، پست‌ها از طریق اینستاگرام، یوتیوب و

[1] Encoding

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تلگرام به اشتراک گذاشته شده باشند. ملاک خروج عبارت بود از پست‌های غیراستعاری و پست‌هایی که در غیر این بازه زمانی ارسال شده بودند.

روش اجرای این پژوهش بدین‌صورت بود که پژوهشگر اصلی این مطالعه با عضوشدن در گروه‌های واقع در دنیای مجازی مانند؛ اینستاگرام، تلگرام و یوتیوب به جمع‌آوری پست‌های مربوط به اختلال خوردن در بازه زمانی شهریور ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ در صفحات ذکر شده، پرداخت. از بین پست‌های ارسال شده، ۲۵۰ پست‌های مربوط به استعاره خوردن در اینستاگرام ۸۹ (۳۵/۶درصد) مورد بود و در یوتیوب ۱۲۳ (۴۹/۲ درصد) پست وجود داشت و ۳۸ (۱۵/۲درصد) مورد کامنت‌هایی بود که در کانال‌های مختص به خوردن گذاشته شده بود. سپس بر اساس روش تحلیلی آنتروپی شانون مقولات استعاری که مربوط به نشانه‌های اختلال خوردن بود را مقوله‌بندی نمود. آنتروپی برای اندازه‌گیری عدم اطمینان در نظریه اطلاعات و داده است که با توزیع احتمالاتی توضیح داده می‌شود. به‌طور کل، در تمام پژوهش‌هایی که ماهیت کیفی دارند، تحلیل داده‌ها همراه با مقایسه، اطلاعات است (بنگتسون، ۲۰۱۶). بر این اساس، پژوهشگر اصلی مطالعه در ابتدا، در سه شبکه اجتماعی نام‌برده پست‌های استعاری را ثبت کرد. در مرحله بعد، پست‌ها چندین‌بار خوانده شد تا بتواند برداشت و درک کلی خود را یادداشت کند. در مرحله بعد؛ پست‌های واضح‌تر مربوط به اختلال خوردن را تعیین کرد و برای آن‌ها واحد معنایی کلی‌تری درنظر گرفت. در مرحله بعد واحدهای معنایی استخراج شده که به‌هم شبیه بودند در زیرمقوله‌ای که از سطوح انتزاع سطح بالاتری برخوردار بودند، قرار گرفتند. در نهایت، چندین زیرمقوله که به‌هم شبیه بودند، در یک مقوله معنایی قرار داده شدند. بدین‌صورت که در درون مقولات بیشترین همگونی معنایی و در بین، طبقات بیشترین ناهمگونی معنایی وجود داشت (اگبودو و همکاران، ۲۰۲۰). پس از جمع‌آوری پست‌ها، به‌صورت دستی مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها مورد تحلیل قرار گرفتند. در نهایت، پژوهشگر اصلی مطالعه پست‌های استعاری اختلالات خوردن را بررسی نهایی نمود. بررسی این پست ها تا حد رسیدن به اشباع نظری یعنی جایی که مفهوم و درون‌مایه جدیدی از پیام‌های استعاری قابل استخراج نبود، ادامه پیدا کرد. ملاحظات اخلاقی در این تحقیق ایجاب می‌کرد تا اطلاعات شخصی افرادی که پست‌های استعاری مربوط به اختلالات خود را فرستاده بودند، محرمانه باقی بماند. جهت بررسی درستی و صحت داده‌ها از روش بازنگری متخصصان استفاده شد که در طی آن متن پست‌ها و تحلیل آن برای سه متخصص حوزه روان شناسی و سه متخصص حوزه زبان‌شناسی شناختی فرستاده شد و از ایشان خواسته شد تا نظرات خود را در مورد آن‌ها بیان کنند. همچنین با متخصصان به‌طور هفتگی جلساتی برگزار شد و در مورد نتایج تحلیل پست ها با آنها تعامل شد. وجود متخصصان مختلف در این تیم پژوهشی (روان‌شناس بالینی، روش‌شناس مطالعات کیفی و زبان‌شناس شناختی) موجب افزایش اعتبارپذیری این مطالعه گردید.

یافته‌ها

در این مطالعه، از ۲۵۰ پست‌های مربوط به استعاره خوردن در اینستاگرام ۸۹ (۳۵/۶درصد)، در یوتیوب ۱۲۳ (۴۹/۲ درصد) و در تلگرام ۳۸ (۱۵/۲درصد) پست و پیام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در جدول شماره ۱ مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌ها مربوط به آن نشان داده شده است.

چنان‌که جدول شماره۱ نشان می‌دهد؛ ویژگی‌های بدن مند اختلال خوردن به‌عنوان مقوله اصلی شامل خودانتقادگری از شکل بدن، تصویر بدنی نامطلوب، شرم از بدن و سوءاستفاده از بدن می‌باشد. استعاره‌های غیربدن مند دومین مقوله اصلی مطالعه می‌باشند که شامل حوزه های مبدا رایج برای اختلال خوردن هستند. استعاره‌های غیربدن‌مند، زیرمقوله‌های استعاری، استعاره‌های"اختلال خوردن یک جاندار موذی است."،"اختلال خوردن یک فرد ویرانگر است."،"اختلال خوردن یک جنگ بی‌پایان است"،"اختلال خوردن یک مکان محصور شده است."و"اختلال خوردن نتیجه سبک زندگی است."را در برمی‌گیرد.

در زیر مثال‌هایی برای زیرمقوله‌های مقوله ویژگی‌های بدن مندی خوردن ارائه شده است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

خودانتقادگری از شکل بدن: *"بی‌اشتهایی عصبی مثل خراش پنجه گربه بر روی مبل کنار دستم می‌مونه که منو اذیت می‌کنه، یاد مشکلات درونم می‌اندازه و با خودم می گم چرا همش با اینها درگیرم."* و *"همیشه یک چیزی هست که بیاد حالتو بگیره و الان پرخوری من شده مایه مصیبت زندگی من و جلوی همه پیشرفت‌هامو دائم گرفته."*

تصویر بدنی نامطلوب: *"من اغلب به همه می‌گویم بی اشتهایی مثل یک درخت است. به‌عنوان یک دانه بدن فرد کاشته می‌شود، سپس به آرامی رشد می‌کند و تمام وجودت را دربرمی‌گیرد و تو را بدترکیب می‌کند."* و *" اگر از اول شکل هیکلم عین گاو نبود و پاهام اینقدر ناقص نبود، الان خودمو بیشتر دوست داشتم. اصلا حالم از خودم به‌هم می‌خوره."*

شرم از بدن: *"فکر می‌کنم از پرخوری آنقدر غول شده‌ام که خجالت می‌کشم از در خانه بیایم بیرون و نتوانم از در رد بشوم."* و *" شده‌ام مثل اسکلت از بس چیزی نمی‌خورم. هیچ مهمانی نمی‌روم می‌ترسم مسخره‌ام بکنند."*

سوءاستفاده از بدن: *" پرخوری مانند یک زخم روانی است. به نحوی در معده‌ام متمرکز شده و داره منو از درون به بیرون می‌خوره."* و *"پرخوری انگلی است که می‌دونه در کدام قسمت از بدن آدم لانه کنه و چگونه از بدن میزبان خود بخواد سوءاستفاده کنه."*

در اینجا مثال‌هایی از زیرمقوله حوزه‌های مبدا غیربدن‌مند رایج در اختلال خوردن آورده شده است:

اختلال خوردن یک جاندار موذی است: *"خوردن برای من همیشه هست، مثل ماری که در میان علف‌های هرز خوابیده و منتظر فرصت مناسب برای ضربه زدن به وجود منه."* و *"پرخوری برای من مانند عنکبوتی است که در گوشه و کنار درونم می‌خزه و تارهای دروغ را بر روی جعبه‌های غبارآلود افکار، رویاها و خاطراتم می‌چرخونه."*

اختلال خوردن یک فرد ویرانگر است: *"بی‌اشتهایی من مثل یک هیولایی‌ست که با تمام قدرت راه گردنم را می گیره."* و *" پرخوری در گوشه و کنار ذهنم مثل یک مامور کمین می‌کنه و به من برای خوردن زیاد دستور می‌ده."*

اختلال خوردن یک جنگ بی‌پایان است: *"می‌دانید، بی اشتهایی مثل یک دشمن خونی و خائنه. یواشکی به سمت شما می‌آید و در ابتدا بازویش را دور گردن شما حلقه می کنه، باهاش دست و پنجه نرم می‌کنین؛ اما بالاخره آرواره هایش را باز کرده تا شما را کامل ببلعد."* و *"می‌دانم که این حرفم هیجانی است، اما ابتلا به پرخوری عصبی مانند تسخیر شدن توسط یک دشمن درونی است، زیرا این چیزی است که شما در آن وسواس دارید و همیشه در ذهن‌تان با آن مبارزه می‌کنید."*

اختلال خوردن یک مکان محصور شده است: *"بی‌اشتهایی مثل این است که در سالنی از آینه‌های تحریف‌کننده تصاویر خودت گیرافتاده باشی و باورکنی، انعکاس‌های غیرواقعی خودت هستی."* و *"من شخصاً برای کم‌اشتهایی های خودم از افتادن در مه غلیظ استفاده می‌کنم که دارد مرا کم‌کم نامرئی می‌کنه."*

اختلال خوردن نتیجه سبک زندگی است: *"پرخوری‌های من ناشی از تغییر در سبک و روش زندگی‌ام است."* و *"خوردن زیاد منو از این وضعیت و حال بد نجات می‌ده."*

جدول ۱- مقوله‌ها، زیرمقوله‌های استخراج شده

مقوله‌ها	زیرمقوله مربوطه
ویژگی‌های بدن‌مند اختلال خوردن	خودانتقادگری از شکل بدن
	تصویر بدنی نامطلوب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

	شرم از بدن
	سوءاستفاده از بدن
حوزه‌های مبدا غیربدن‌منـد اخـتلال خوردن	اختلال خوردن یـک جانـدار مـوذی است.
	اخـتلال خـوردن یـک فـرد ویرانگـر است.
	اختلال خوردن یک جنگ بـی‌پایـان است.
	اخـــتلال خـــوردن یـــک مکـــان محصورشده است.
	اختلال خوردن نتیجه سبک زندگی است.

جدول ۲- فراوانی و درصد زیرمقوله‌های ردیف دوم مربوط به اختلال خوردن

مقوله‌های اصلی	زیرمقوله	فراوانی و درصد مقوله‌ها	فراوانی و درصد در رسانه
ویژگی‌های بدن‌مند اختلال خوردن	خودانتقادگری از شکل بدن	۲۷(۱۰/۸)	یوتیوب ۱۴(۵۱/۸۵) اینستاگرام ۱۱(۴۰/۷۴) تلگرام ۲(۷/۴۱)
	تصویر بدنی نامطلوب	۲۶(۱۰/۴)	یوتیوب ۱۵(۵۷/۶۹) اینستاگرام ۱۰(۳۸/۴۶) تلگرام ۱(۳/۸۵)
	شرم از بدن	۳۰(۱۲)	یوتیوب ۱۷(۵۶/۶۷) اینستاگرام ۱۱(۳۶/۶۷) تلگرام ۲(۶/۶۷)
	سوءاستفاده از بدن	۳۶(۱۴/۴)	یوتیوب ۲۱(۵۸/۳۳) اینستاگرام ۱۱(۳۰/۵۶) تلگرام ۴(۱۱/۱۱)
حوزه‌های مبدا غیربدن‌مند اختلال خوردن	اختلال خوردن یک جاندار موذی است.	۲۳(۹/۲)	یوتیوب ۱۲(۵۲/۱۷) اینستاگرام ۹(۳۹/۱۳) تلگرام ۲(۸/۷)
	اختلال خوردن یک فرد ویرانگر است.	۲۸(۱۱/۲)	یوتیوب ۱۰(۳۵/۷۱) اینستاگرام ۱۱(۳۹/۲۹) تلگرام ۷(۲۵)
	اختلال خوردن یک جنگ بی‌پایان است.	۲۶(۱۰/۴)	یوتیوب ۹(۳۴/۶۲) اینستاگرام ۱۲(۴۶/۱۵) تلگرام ۵(۱۹/۲۳)
	اختلال خوردن یک مکان محصور شده است.	۲۵(۱۰)	یوتیوب ۱۰(۴۰) اینستاگرام ۹(۳۶)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

	تلگرام	(۲۴)۶
اختلال خوردن نتیجه سبک زندگی است.	(۱۱/۶)۲۹ یوتیوب	(۴۴/۸۳)۱۳
	اینستاگرام	(۲۷/۵۹)۸
	تلگرام	(۲۷/۵۹)۸

چنان‌چه جدول شماره ۲ نشان می‌دهد؛ از بین استعاره های دو زیرمقوله، ویژگی‌های بدن‌مند خوردن با ۱۱۹ فراوانی یا ۴۷/۶ درصد استعاره وجود داشت و ۱۳۱ فراوانی با ۵۲/۴ درصد مورد حوزه‌های مبدا رایج در اختلال خوردن را دربرمی‌گرفت. بر اساس، بالاترین فراوانی مربوط به زیرمقوله ردیف دوم سوءاستفاده از بدن با ۳۶ فراوانی و کمترین مقوله مربوط به زیرمقوله ردیف دوم حوزه‌های مبدا رایج در اختلال خوردن، اختلال خوردن یک جاندار موذی است، با فراوانی ۲۳ می‌باشد. براین اساس، یافته‌ها نشان داد؛ بعضی از استعاره‌های اختلال خوردن مبتنی بر بدن‌مندی پدیده بیمارگونه خوردن است و با ۱۰/۸ درصد به‌صورت خودانتقادگری از شکل بدن، ۱۰/۴ به‌حالت تصویر بدنی نامطلوب، ۱۲ درصد به‌صورت شرم از بدن و ۱۴/۴ به‌گونه سوءاستفاده از بدن مفهوم‌سازی می‌شوند. در بخش حوزه‌های مبدا رایج در اختلال خوردن ۹/۲ درصد از پست‌ها برای مفهوم‌سازی اختلال خوردن از حوزه‌های مبدا جاندار موذی، ۱۱/۲ درصد از حوزه مبدا انسان (فرد ویرانگر)، ۱۰/۴ درصد ازحوزه مبدا جنگ، ۱۰ درصد از مفهوم اختلال خوردن به‌صورت مکانی و ۱۱/۶ درصد از حوزه مبدا محصول بهره گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که با هدف تبیین و مقوله‌بندی پست‌های استعاری اختلال خوردن در فضای مجازی انجام شد، نشان داد؛ پست‌های استعاری اختلال خوردن را می توان را در دو مقوله اصلی استعاره‌های بدن‌مند و غیربدن مند طبقه‌بندی نمود. هر زیرمقوله دارای مشخصات بارزی است که نشان‌دهنده ویژگی آن مقوله است. استعاره‌های بدن‌مند دارای ویژگی اصلی جسمانی‌سازی مسئله خوردن است که شامل زیرمقوله‌های خودانتقادگری از شکل بدن، تصویر بدنی نامطلوب، شرم از بدن و سوءاستفاده از بدن می‌باشد. این یافته‌ها از لحاظ این‌که زیرمقوله‌های مربوط به نارضایتی از بدن و خودانتقادگری از وضعیت خود در مطالعات پیشین وجود داشته با بررسی رئیسی و ریاسی (۲۰۲۲) مبنی بر این‌که استعاره درد سرطان به‌صورت یک جنگ بی‌پایان و یک قفس برنامه‌ریزی شده، در بیماران مفهوم‌سازی شده است، با مطالعه لوپز- رودریگز (۲۰۱۶) مبنی بر این‌که استعاره‌های مربوط به اختلال خوردن می توانند در زنان باعث بی‌نظمی در خوردن و نارضایتی از تصویر بدن شود، همسو می‌باشد. اما در مطالعه حاضر یافته‌ها به سوءاستفاده از بدن و شرم از آن به‌عنوان حوزه های بدن‌مند اشاره دارند که وجه نوآورانه این پژوهش است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت؛ بر اساس نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف (۱۹۹۳) چون حوزه‌های مبدا مبتنی بر ویژگی‌های جسمانی و بدنی ما هستند، بنابراین، درک و بیان آن ریشه در شبکه‌های عصبی مغز دارند (لیکاف، ۲۰۰۸). زیرا درک از بدن و حالات احشایی آن در منطقه اینسولا[1]یا جزیره مغز پردازش می‌شوند (تیناز و همکاران، ۲۰۱۸). بسیاری از استعاره‌های مربوط به خوردن و اختلالات در این حوزه نیز بر اساس ویژگی‌های جسمانی ما ساخته می‌شوند. از طرفی، خوردن مستقیما با بدن ما در ارتباط است و جسم را از نظر فیزیکی و درونی تحت تاثیر قرار می‌دهد. پس به‌دست آمدن یافته‌های مبتنی بر بدن‌مندی در زمینه اختلالات خوردن، خارج از منطق برای درک استعاره‌ها نیست. زیرا گریزی نیست جز این‌که باید از ویژگی‌های بدنی و حتی روان‌شناختی مانند شرم از تصویر بدن، خودانتقادگری و مفاهیم مرتبط دیگر کمک گرفت تا بتوان از نظر شناختی و استعاری وضعیت اختلال خوردن را تعبیر و تفسیر کرد. شاید به‌همین دلیل است که تحقیقات نشان داده‌اند استعاره‌درمانی تاثیر معناداری بر روی انواع اختلال خوردن دارد (متی‌سون و هاسکینز، ۲۰۰۷). همچنین درمان‌های روان‌شناختی که مولفه‌های استعاری دارند مانند ذهن‌آگاهی[2] و درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد[3]نیز اثرات معناداری را بر طیف

[1] Insula
[2] Mindfulness
[3] Acceptance and Commitment Therapy

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اختلال خوردن تائید کرده‌اند (دی‌جکسارا و ناگاتسو، ۲۰۲۲).

یافته دیگر این مطالعه نشان داد؛ حوزه‌های مبدا استعاره‌های غیربدن‌مند؛ دارای زیرمقوله‌های استعاره‌های "اختلال خوردن یک جاندار موذی است."، "اختلال خوردن یک فرد ویرانگر است."،"اختلال خوردن یک جنگ بی‌پایان است."، "اختلال خوردن یک مکان محصور شده است."و "اختلال خوردن نتیجه سبک زندگی است." می‌باشد. این یافته با مطالعات پیشین مانند؛ مطالعه رئیسی (۲۰۲۲) مبنی براین‌که درک مفهوم کیفیت زندگی استعاری دارای حوزه‌های مبدا مکان، نتیجه و محصول، قدرت و انسان است، با مطالعه رئیسی و ریاسی (۲۰۲۲) مبنی براین‌که استعاره‌های افسردگی نیز دارای حوزه‌های مبدا مکان و انسان هستند. با بررسی رئیسی (۲۰۲۱) مبنی براین‌که درک درد نیز دارای حوزه‌های مبدا انسان و مکان است و با مطالعه برتون و همکارانش (۲۰۱۵) بر روی استعاره‌های اختلال خوردن در زنان باردار به‌صورت استعاره‌های یک نبرد یا مبارزه و ماهیت پایان‌ناپذیر بر سر دوراهی است، از جهت این‌که در تمام این مطالعات به انسان، مکان و صاحب قدرت بودن به عنوان حوزه مبدا اشاره شده است، همسو می‌باشد. اما در مطالعه حاضر جنبه بدیع بودن این قسمت از یافته‌ها؛ اشاره به استعاره‌هایی چون "فرد ویرانگر یا انسان ویرانگر، مکانی که محصور است و جاندار یا فرد زنده و موذی‌صفت و یا این‌که اختلال خوردن ناشی از سبک زندگی" می‌باشد که به این حوزه‌های مبدا ویژگی‌های خاصی اسناد داده شده که وجه ممیزه اختلال خوردن به‌صورت غیربدن‌مند از بدن‌مند است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت؛ تحقیقات نشان داده‌اند؛ وقتی افراد مبتلا به اختلال خوردن، از نظر فیزیکی گرسنه هستند، کمتر احتمال دارد از استعاره‌ها برای بیان وضعیت گرسنگی خود استفاده کنند. اما وقتی بی‌دلیل فرد ولع نسبت به مواد غذایی پیدا می‌کند و از نظر زیستی به آن مواد غذایی نیاز ندارد، برای بیان وضعیت و حالت روان‌شناختی خود وارد دنیای استعاره‌ها می‌شود (بروک‌گورن-واتز،۲۰۱۱). شواهد استعاری به‌دست آمده نشان داده است؛ این افراد از حوزه‌های مبدا پربسامد خوردن مانند نبرد بی‌امان، موجود زنده و غیره، برای بیان حالات عاطفی و هیجانی غالب خود استفاده می‌کنند. در واقع، استعاره‌ها شاهراهی می‌شوند برای تخلیه روانی افراد مبتلا به اختلال خوردن که راهی ندارند به‌جزء این‌که با چنین ابزاری از این تنش درونی و شناختی رهایی یابند.

بر اساس یافته‌های به‌دست آمده می‌توان گفت؛ پیام‌ها و پست‌های استعاری مربوط به اختلال خوردن، به‌صورت دو مقوله اصلی استعاره‌هایی با ویژگی‌های بدن‌مند اختلال خوردن و حوزه‌های مبدا غیربدن‌مند اختلال خوردن قابل تقسیم هستند. استعاره‌های بدن‌مند دارای زیرمقوله خودانتقادگری از شکل بدن، تصویر بدنی نامطلوب، شرم از بدن و سوءاستفاده از بدن می‌باشند. از طرفی، حوزه‌های مبدا استعاره‌های غیربدن‌مند؛ شامل حوزه‌های مبدا رایج در اختلال خوردن هستند. این نوع از استعاره‌ها با حوزه های مبدا استعاره‌های"اختلال خوردن یک جاندار موذی است."، "اختلال خوردن یک فرد ویرانگر است."، "اختلال خوردن یک جنگ بی‌پایان است."،"اختلال خوردن یک مکان محصور است."و "اختلال خوردن نتیجه سبک زندگی است" مشخص می‌شوند. نهایت سخن این‌که برای هرکدام از این دو مقوله اصلی، زیرمقوله‌هایی وجود دارد که به‌وسیله ویژگی‌های شناختی و روان‌شناختی از یکدیگر متمایز و مجزا می‌شوند.

از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به محدود بودن پست‌های استعاری افراد مبتلا به طیف اختلال خوردن در فضای مجازی در بازه زمانی شهریور ۱۳۹۹ تا اردیبهشت ۱۴۰۱ اشاره کرد. اگرچه رویکردهای روان‌سنجی و مداخله ای درباره استعاره‌های مفهومی در حوزه‌های مفاهیم روان شناختی و اختلالات روانی در حال گسترش هستند (رئیسی و مقدسین، ۲۰۲۰) و سعی دارند تا کاستی‌های ادبیات تحقیق در این زمینه را جبران کنند. اما ماهیت کیفی روش تحقیق حاضر امکان تعمیم‌دهی نتایج را محدود می‌کند. بنابراین، با توجه به نتایج به‌دست آمده لازم است در مطالعه‌ای مشابه علاوه بر بررسی کیفیت محتوا به کمیت استعاری هرکدام از زیرمجموعه‌های اختلال خوردن در ادبیات تحقیق نیز توجه شود یا روش های مداخله‌ای بر اساس یافته‌های این مطالعه طراحی گردد تا امکان ارزیابی بیشتر و بهتر انواع اختلالات خوردن از طریق استعاره‌ها فراهم شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تعارض منافع

نویسندگان مطالعه حاضر اظهار می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافعی بین ایشان در مورد این مقاله وجود ندارند.

لازم به‌ذکر است؛ نویسنده اول و مسئول مقاله در طراحی، روش‌شناسی، تجزیه‌وتحلیل، تدوین و نوشتن مقاله نقش اصلی را داشته است و نویسنده دوم صرفا به ویرایش مقاله پرداخته است.

منابع

Akwenabuaye, V., & Ikpi, N.E. (2020). Social Media Use and Students' Health-Lifestyle Modification in University of Calabar. Nigeria. *EJIS*, 6:101-13.

Azad, O. (2020). Metaphor Comprehension in Persian-Speaking Alzheimer's Patients: The Role of Central Executive. *Journal of Cognitive Psycholog*, 7 (4):13-22. [Persian]

Bates, C.F. (2015). "I am a waste of breath, of space, of time": metaphors of self in a pro-anorexia group. *Qual Health Res*, 25(2):189-204.

Bengtsson, M. (2016). How to plan and perform a qualitative study using content analysis. *NursingPlus Open*, 2: 8-14.

Boepple, L., & Thompson, J. K. (2014). A content analysis of healthy living blogs: evidence of content thematically consistent with dysfunctional eating attitudes and behaviors. *The International journal of eating disorders*, 47(4),362–367.

Breton, É., Dufour, R., Côté, S.M., Dubois, L., Vitaro, F., Boivin, M., Tremblay, R.E., & Booij, L. (2022). Developmental trajectories of eating disorder symptoms: A longitudinal study from early adolescence to young adulthood. *J Eat Disord*, 10(1):84.

Brooke Goren-Watts, R. (2011). *Eating Disorder Metaphors: A Qualitative Meta-synthesis of Women's Experiences*. Antioch University New England.

Burton, T., Hands, B.P., & Bulsara, C. (2015). Metaphors used by eating disordered women to describe their experience of being pregnant. *Evidence Based Midwifery*, 13(4):126-132.

Charles, M. (2021). Meaning, metaphor, and metabolization: the case of eating disorders. *Am J Psychoanal*, 81: 444–466.

Dijkstra, J.M., & Nagatsu, T. (2022). Cognitive behavioral therapy (CBT), acceptance and commitment therapy (ACT), and Morita therapy (MT); comparison of three established psychotherapies and possible common neural mechanisms of psychotherapies. *J Neural Transm*, 129: 805–828.

Ebrahimi, E., Mohammadi Shirmahaleh, F., Habibi, M., & Mardani Hamooleh, M. (2021). The Role of Emotional Eating in the Living Experiences of Young Obese Iranian Women: A Hermeneutic Phenomenological Study. *IJPN*, 9(5):24-38.

Giles, D. (2006). Constructing identities in cyberspace: the case of eating disorders. *The British journal of social psychology*, 45(Pt3):463–477.

Hsieh, H.F., & Shannon, S.E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15: 1277-1288.

Kleinheksel, A.J., Rockich-Winston, N., Tawfik, H., & Wyatt, T.R. (2020). Demystifying content analysis. *Am J Pharm Educ*, 84: 113.

Kövecses, Z. (2017). *Conceptual metaphor theory*. The Routledge handbook of metaphor and language.

Kövecses, K. (2019). Metaphor universals in literature. *Argumentum*, 15: 264-76.

Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (pp. 202–251). Cambridge University Press.

Lakoff, G. (2008). *The neural theory of metaphor*. In R. W. Gibbs, Jr. (Ed.), The Cambridge handbook of metaphor and thought (pp. 17–38). Cambridge University Press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

López-Rodríguez, I. (2016). Feeding women with animal metaphors that promote eating disorders in the written media. *Linguistik Online*, 75(1).

Mathieson, L.C., & Hoskins, M.L. (2007). Metaphors of Change in the Context of Eating Disorders: Bridging Understandings with Girls' Perceptions. *Canadian Journal of Counselling and Psychotherapy*, 39(4).

Mital, R., Hay, P., Conti, J.E., & Mannan, H. (2022). Associations between therapy experiences and perceived helpfulness of treatment for people with eating disorders. *J Eat Disord*, 10, 80.

Neuendorf, K. (2016). *The Content Analysis Guidebook*. London; SAGE.

Ogbodo, J.N., Onwe, E.C., Chukwu, J., Nwasum, C.J., Nwakpu, E.S., Nwankwo, S.U., Nwamini, S., Elem, S., & Iroabuchi Ogbaeja, N. (2020). Communicating health crisis: a content analysis of global media framing of COVID-19. *Health Promot Perspect*, 12;10(3): 257-269.

Raiisi, F. (2021). Conceptual Metaphors of Pain in Persian: A Cognitive Analysis. *International Journal of Musculoskeletal Pain Prevention*, 6(2):496-501.

Raiisi, F. (2023). Pain Metaphors as a Bridge between Physician and Patient: An Interdisciplinary Approach. *International Journal of Musculoskeletal Pain Prevention*, 8(2):862-863.

Raiisi, F. (2022). Cognitive Analysis of Quality of Life Metaphors from the Perspective of Health Promotion Students. *Health Education and Health Promotion*, 10(2):233-238.

Raiisi, F., Afrashi, A., Nematzadeh, S.H., & Moghadasin, M. (2020). Conceptual Metaphors of time in Persian: A cognitive and Corpus-based Approach. Journal of Western Iranian Languages and Dialects, 8(28): 15-29. [Persian].

Raiisi, F., Afrashi, A., Moghadasin, M., HajiKaram, A., & Nematzadeh, S. (2019). Understanding of metaphorical time pattern among medical and paramedical students. based on gender, age and academic status. *SJKU*, 24 (4): 56-67. [Persian].

Raiisi, F., & Moghadasin, M. (2020). Designing, Making and Evaluating Psychometric Characteristics of the Time Perception Pattern as Metaphorical Questionnaire Based on Cognitive- Dataset Analysis in Persians. *Journal of Cognitive Psycholog*, 8(2): 70-87. [Persian].

Raiisi, F., & Riyassi, M. (2022). Cognitive analysis of conceptual metaphors for depression from the perspective of clinical psychologists: A qualitative study. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 24(3): 145-151.

Raiisi, F., & Riyassi, M. (2022). Understanding Cancer Patients' Lived Experience of Pain through Metaphors: A Qualitative Study. *IJMPP*, 7(3): 759-764.

Skårderud, F. (2007). Eating one's words, part I: 'Concretised metaphors' and reflective function in anorexia nervosa--an interview study. *Eur Eat Disord Rev*, 15(3):163-74.

Speziale, H.S., Streubert, H.J., & Carpenter, D.R. (2011). *Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic imperative*. Lippincott Williams & Wilkins.

Tinaz, S., Para, K., Vives-Rodriguez, A., Martinez-Kaigi, V., Nalamada, K., Sezgin, M., Scheinost, D., Hampson, M., Louis, E. D., & Constable, R. T. (2018). Insula as the Interface Between Body Awareness and Movement: A Neurofeedback-Guided Kinesthetic Motor Imagery Study in Parkinson's Disease. *Frontiers in human neuroscience*, 12.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]